



*Shaere.ir*

### «فلات غمگین»

گامت را  
از شمال زندگی  
فرا تر بگذار  
از لذت هرزه ی سبزینگی  
که مبهوت می کند  
تا پرنده باشی  
تا لانه ها را  
چشم به راه بگذاری  
در من فلات غمگینی  
به وسعت باور آفتاب  
گسترده می شود  
و مادیانی  
سم می کوباند  
از خاور ماهور  
تا گداختگی شنهایی  
که قطب نما را  
به صحراهای  
نا بومی هدایت می کند

گامت را  
از شمال زندگی  
فرا تر بگذار

من خورشیدهای فراوانی را  
در باختر این فلات غمگین  
گردن زده ام  
خونشان هنوز  
دستان آلوده ی مرا  
در آسمان کویر فلوت می نوازد

از جنگل چشم بردار  
راهی شو  
به

خشکی سراب خیز خیال

رد فانوسی را  
... خواهیم گرفت  
سیراب می شوی  
قول می دهم  
تو را به آبادی خواهیم رساند



۱ ستاره فرخی نژاد